

## ایران از اردوغان انتظار بیشتری دارد



ایران و ترکیه در موضوعات راهبردی به طور علنی و غیرعلنی دچار اختلافات جدید دیدگاهی بوده اند. در حالی که این مساله در رسانه های ایرانی مطرح نشد، اما در مقابل مقامات ترکیه ای در سطح رسانه های خود اختلاف دیدگاه ها را مطرح کردند.

به گزارش آران نیوز: یکی از مشکلات بر بستر اجتماعی و سیاسی ترکیه، چالش امنیت و آزادی است. کودتای روی داده بهانه سازی مولفه امنیت و آزادی بود. در واقع ایجاد نا امنی و در نهایت ورود نظامی برای بستر سازی برای ایجاد ثبات و قربانی کردن آزادی و روند دموکراسی در ترکیه بوده است. در بیانیه ستاد مشترک ارتش ترکیه، امنیت و ثبات نقش محوری داشت. به نظر می رسد آنچه در گذشته نظامیان از عنصر امنیت برای ایجاد محدودیت و توجیه حضور خود در قدرت استفاده می کردند، حجم دستگیری های کودتای اخیر این نگرانی را به وجود آورد که این بار نه عناصر نظامی، بلکه عناصر سیاسی از عنصر امنیت برای ایجاد محدودیت بر بستر سیاسی و اجتماعی استفاده کنند. این نگرانی از سوی محافل مختلف مطرح می شود. اما نگاه ایرانی به ترکیه، نگاه توأم با شیفتگی و تنفر است. نگاه صفر و صد، نگاه درگیر با احساس. نگاهی درگیر با حوزه های منافی که تصور می کند از یک سو حمایت کند و از دیگر سو تحلیلی خاص داشته باشد که در آن نگاه منافع تامین شود.

دو رویکرد و نگاه درباره کودتای ترکیه وجود دارد: یکی اینکه از تهران به مساله کودتا پرداخته شود و دیگر آن که از نگاه آنکارا کودتا بررسی شود. سعی می شود نگاه بیشتر از درون ترکیه باشد. نگاهی که کمتر منافع دو جانبه یا نگاه دوجانبه را درگیر تحلیل مسایل ترکیه می کند. تردیدی نیست که ترکیه به عنوان نزدیکترین همسایه ایران بوده هر ناامنی درون آن، بر امنیت ایران نیز اثرگذار است. در واقع امنیت ترکیه امنیت ایران است. این یک شعار یا تعارف سیاسی نیست. وقتی گفته می شود امنیت ترکیه امنیت ایران است، در واقع هر گونه بروز نا امنی در ترکیه یا در ایران، بر هر دو کشور تاثیرگذار خواهد بود. در دوره های تاریخی یا هر تحولی اثرات آن بر دو کشور مشهود بوده است.

شرایط کنونی ترکیه، با تمامی تلخی ها و شیرینی ها، دردهای یک دوره، دردهای یک زایمان و عبور از یک گذر تاریخی است. نباید به کودتای 15 جولای به عنوان یک fact جداگانه نگاه کرد. این کودتا حاصل یک روند است. نظامیان در ترکیه صاحب قدرت و وارث جمهوریت بودند. اما پس از پایان جنگ سرد، شرایطی فراهم آمد که با توجه به پیوندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی ترکیه با غرب که حاصل برداشت های عقلانی از شرایط و قابلیت های ترکیه بوده، ترکیه جایگاه خود را نزد غرب از دست نداد، اما جایگاه نظامیان از دست رفت. زیرا تعریف ترکیه از سخت افزار به عنوان جبهه جنوبی ناتو به الگوی نرم خاورمیانه به عنوان کشوری که ساز کارهای دموکراسی و اقتصاد مدرن و قوی آن می تواند الگویی برای کشورهای منطقه باشد، تغییر یافت.

خلیل تورگوت اوزال، رئیس جمهوری اسبق ترکیه دو کار را در دستور کار خود قرار داده بود: یکی تغییر و تحول سیاسی و دیگری تغییر و تحول اقتصادی. او در حوزه تغییرات سیاسی موفق عمل نکرد اما توانست در حوزه اقتصادی، موفقیت هایی به دست آورد. این مساله در دوران حزب عدالت و توسعه به بازتعریفی از همه سازو کار های موجود رسید که بر اساس آن شرایطی فراهم شد که تا به امروز با ترکیه ای نوین و جدید مواجه هستیم. کودتای امروز ترکیه با قیاس با کودتای پست مدرنی که علیه اربکان در 28 فوریه سال 97 صورت گرفت، علامت جابه جایی عناصر قدرت بود. تضعیف موقعیت نظامی هرم قدرت از کودتای 28 فوریه در سال 2003 که لو رفت تا 2008 که منجر به تصفیه حساب ها شد، به اوج رسید. از این رو شرایط کنونی ترکیه، شرایط دوران گذار بوده و کودتای امروز بخشی از توان ملی ترکیه را تضعیف کرده است. زمانی ارتش با تصفیه حساب های وسیع مواجه می شود - یعنی نزدیک به 126 ژنرال کنار گذاشته می شود - از منظر داخلی و در نگاه کلان تر، توان و قابلیت ملی کشور را تضعیف می کند.

یکی از عواملی که برای ظهور داعش بیان می کنند، انحلال ارتش بعثی است. حال این پرسش مطرح می شود که با توجه به خطرات موجود در منطقه، یک ارتش ضعیف و تحقیر شده انگیزه ای برای بحران های آینده - هم داعش و هم کردی - در منطقه و ترکیه خواهد داشت؟ به همین دلیل باید هوشیار بود که از مدیریت کودتا و مدیریت تنبیهی استفاده نشود و حتی به این ذهنیت تئوری توطئه نیز فکر نشود. در عین حال سمت و سواها به این نیست که از عنصر امنیت برای تثبیت موقعیت سیاسی استفاده شود. یعنی حاکمیت سیاسی ترکیه از عنصر امنیت برای تثبیت جایگاه خود استفاده کند و به اهدافش دست یابد. شاید به جای نگاه تنبیهی، باید نگاه ترمیم با اقدامات ایجابی باشد. و آن جا که حضور مردم به عنوان تضمین کننده دموکراسی است و اثبات نیز شد، و به جای آن که این برداشت شود که قرار است عکس آتاتورک پایین بیاید و عکس اردوغان بالا برود، نهادینه شدن دموکراسی نزد مردم برای عبور از اردوغان باشد. یعنی سیستم به جای تکیه بر قهرمانانی مانند آتاتورک و اردوغان، سیستمی برای تضمین بزرگی و دموکراسی ترکیه پی ریزی کند.

آمریکا و کودتای ترکیه

از دیگر سو روابط ترکیه با آمریکا همواره چه در سطح سیاسی و چه نظامی و حتی اقتصادی با بیم و امید همراه بوده است. از نظر آمریکا، این کشور بازیگر اول نقش سیاست خارجی ترکیه است. ورود ترکیه به دوره چند حزبی که از سال 1949 با تشکیل حزب دموکرات در چارچوب طرح مارشال صورت گرفت، تحت فشار آمریکا بوده است. این دوران با روی کار آمدن عدنان

مدرس شروع شد، اما بازی با عناصر قدرت در ترکیه میدان مانوری برای آمریکا بود. پس از کودتا علیه مندرس و اعدام هایی که صورت گرفت، شاهد هیچ واکنشی از سوی آمریکا نیستیم. از این رو روابط ترکیه و آمریکا از سر اجبار و نه اشتیاق بوده است. ترکیه دولت نفتی نبوده و منابع ایران را ندارد. اما نقشی که در نظام بین الملل به عنوان بازیگر برای خود در نظر گرفته حاصل نوع ارتباطاتی است که دارد.

به نظر می رسد حداقل آمریکا از کودتای اخیر مطلع بوده است. فارغ از آن که پایگاه ناتو در انجیرلیک قرار دارد، آمریکایی ها سفارتی در ترکیه دارند که بعد از عراق، دارای هزار نیرو است. از این رو با توجه به اشراف اطلاعاتی، به طور حتم از کودتا مطلع بوده اند. اما چرا نقشی ایفا نکردند این می تواند در چارچوب مسایل داخلی و نقشی که آمریکا می خواهد بازی کند، تحلیل شود. بر این عقیده ام که بخشی از اطلاع رسانی نکردن یا بازی نکردن با فهم کودتا این بوده که مجددا رفتار اردوغان و ترکیه را تنظیم و تنبیه کنند. اما با یک پارادوکسی مواجه هستیم. آمریکا اعلام کند در کودتا نقشی ندارد، اما برخی مقامات ترکیه ای از حضور آمریکایی ها در کودتا خبر می دهند. به نظر می رسد بخشی از این پارادوکس به دلیل امتیازگیری است. یعنی ترکیه سعی می کند از این اتفاق برای خود امتیاز بگیرد. یکی از امتیازهایی که ترکیه خواهان آن بوده، گولن است و تفهیم این مفهوم که اگر قرار است با کسی در ترکیه کار شود، این اردوغان است. به هر حال آمریکا با همه بازیگران و حتی احزاب مخالفی که در تجمعات ضد آمریکا صحبت می کنند، اما در خفا ارتباط دارند، مرتبط است. آنها مشتاق ارتباط با آمریکا هستند. بخشی از پیچیدگی جامعه سیاسی این است که باید در ارتباطات احزاب، سیاسیون و نظامیان فاصله ای وجود داشته باشد. یعنی باید فاصله ای میان سیاست اعلامی و اعمالی قائل بود.

نکته دیگر آن که دوران کودتا نه تنها در ترکیه، بلکه در تمام دنیا تمام شده و ابزارآلات دنیا تغییر کرده است. شکست کودتا بیانگر این نکته است که اگر چنین حرکتی صورت بگیرد، منجر به نتیجه نخواهد شد و اگر به نتیجه برسد، پایدار نخواهد بود. زیرا ساز و کارهای دنیا تغییر کرده است. کشورهای غربی برای اعمال نظر از روش های سخت افزاری استفاده نمی کنند. آنها از ابزارهای نرم افزاری بهره می برند. اگر قرار باشد در ترکیه اتفاقی بیفتد، از حوزه اقتصاد وارد می شوند. با یک بحران اقتصادی بیشتر به ترکیه و دولت حزب عدالت و توسعه فشار می آورند تا بحران نظامی.

رسانه های ایران و نقد دولت اردوغان

اما چرا رسانه های ایران از دولت ترکیه انتقاد می کنند؟ فضای ایجاد شده طی 5 سال گذشته در روابط ایران و ترکیه، فضای واقعی بوده است. ایران و ترکیه در موضوعات راهبردی مانند سوریه و عراق به طور علنی و در افغانستان به طور غیرعلنی دچار اختلافات جدید دیدگاهی بوده اند. در حالی که این مساله در رسانه های ایرانی مطرح نشد، اما در مقابل مقامات ترکیه ای در سطح رسانه های خود اختلاف دیدگاه ها را مطرح کردند. شخص آقای اردوغان انتقادهای جدی را نسبت به بالاترین مقام سیاسی ایران مطرح کرد و رسانه های ترکیه ای نیز آن را بازتاب دادند. یا اینکه دو وزیر دولت اردوغان، حزب الله را معادل سازمان تروریستی دانستند که این مساله با توجه به نگاه جامعه ایرانی به حزب الله و حساسیت هایی که ایران نسبت به منافع ملی خود دارد، قابل قبول نیست. این مواضع با توجه به ادعاهایی که از سوی آمریکایی ها، روس ها و حتی احزاب مخالف در درون ترکیه از نوع ارتباطات دولت ترکیه با داعش پرده برداشتند، توجیه پذیر نیست. از این رو چنین رفتارهایی روی افکار عمومی مردم ایران اثر گذاشته و مردم ایران نسبت به گذشته درباره ترکیه بدبین تر شده اند. اما با این حال بدبینی مردم ایران نسبت به ترکیه در مقابل بدبینی مردم ترکیه نسبت به ایران کمتر است. بر اساس آمار ارایه شده از سوی مردم ترکیه، آنها نسبت به ده سال گذشته نگاه بدبینانه تری دارند. کاری که رسانه ها، حزب و دولت ترکیه در خصوص سیاست های منطقه ای ایران انجام داد، بدبینی را در جامعه ترکیه به وجود آورد. انتظار ایران این بود که حزب عدالت و توسعه به عنوان یک حزب اسلامی جایگاه بهتری را برای ایران نزد افکار عمومی ترکیه فراهم کند. اما جایگاه ایران نزد افکار عمومی ترکیه نسبت به زمانی که لائیک ها بر مسند بودند، پایین تر و منفی است. این نیز به دلیل مسایلی است که در منطقه روی داده است.